



نظام نمادین یاوردهی در فرهنگ روستاهای استان گیلان با تاکید بر موزه میراث روستایی

عبدالرضا فرقان^۱ ID، اسماعیل جهانبخش^۲ ID، اصغر محمدی^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران reza.forghan99@gmail.com

^۲ استادیار گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران، esjahan@yahoo.com

^۳ استادیار گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران asghar.mo.de@gmail.com

چکیده

یاوردهی یا همیاری جزء خرده فرهنگ‌های کشور بوده و چون در حیطه مقوله فرهنگ جای می‌گیرد، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این فرهنگ در مناطق روستایی بیشتر به چشم می‌خورد. از آنجا که هنوز در بسیاری از روستاهای کشور این نظام نمادین وجود دارد لذا بررسی دقیق آن راهگشای تقویت این خرده فرهنگ است. موزه میراث روستایی استان گیلان یکی از موزه‌های طبیعی است که مثال آشکاری از سنن محلی و روستایی در این منطقه است. روش تحقیق این پژوهش، کیفی بوده و در این پژوهش از روش اتنوگرافی^۱ با رویکرد جامعه‌شناسی استفاده شده است. تکنیک جمع‌آوری اطلاعات نیز، مصاحبه، یادداشت‌برداری و مشاهده (تحقیق میدانی) بوده است. در این زمینه، جمعیت مورد بررسی در استان گیلان شامل کشاورزان ۱۱ روستا بوده است. بر این اساس، ۲۴ نفر از روستاییان شرکت‌کننده در مصاحبه، از استان گیلان گزینش شدند. به تعبیری از نمونه-گیری هدفمند استفاده شده است؛ که نتایج حاصله با نگرش به یافته‌ها در استان گیلان بدین قرار است، پیامدهای همیاری با شاخص‌های سرمایه اجتماعی، همچون مشارکت، احساس تعهد و دوستی و رفاقت، مبنی بر وجود سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک دارایی ارزشمند در روستاهای دارای خرده فرهنگ مذکور، مورد تأیید قرار گرفت. همچنین نتایج حاصله از یافته‌ها در خصوص مقوله مبادله، بیانگر اثبات وجود تنوع و گستردگی روابط در نزد روستاییان همیار و بهره‌گیری از منفعت عاطفی و اقتصادی در نتیجه‌ی همیاری‌هاست.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش یاوردهی در وجود یا نبود همدلی در امور روستایی و به تعبیری نقش آن در انسجام و وحدت روستاییان.

۲. بررسی نظام نمادین یاوردهی در موزه میراث روستایی گیلان.

سوالات پژوهش:

۱. نقش یاری‌گری در وجود یا نبود همدلی در امور روستایی و به تعبیری نقش آن در انسجام و وحدت روستاییان چگونه است؟

۲. نظام نمادین یاوردهی چه انعکاسی در موزه میراث روستای استان گیلان داشته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۱

دوره ۱۸

صفحه ۳۳۶ الی ۳۵۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۷/۱۸

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

خرده فرهنگ یاوردهی،

گیلان،

سرمایه اجتماعی،

موزه میراث روستایی گیلان.

ارجاع به این مقاله

فرقان، عبدالرضا، جهانبخش، اسماعیل،

محمدی، اصغر. (۱۴۰۰). نظام نمادین

یاوردهی در فرهنگ روستاهای استان

گیلان با تاکید بر موزه میراث روستایی.

هنر اسلامی، ۱۸(۴۱)، ۳۳۶-۳۵۶.



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.41.198



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.252807.1411



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

برحسب اتفاق نظر همه اندیشمندان در حوزه‌های گوناگون دینی، روانشناسی، اجتماعی، انسان موجودی اجتماعی است و بدون حضور در اجتماع، هیچ‌گاه از عهده پاسخگویی به نیازهای متنوع زندگی خویش بر نمی‌آید. آنچه در متون علوم انسان‌شناسی نیز به چشم می‌خورد، بیانگر این موضوع است که این زندگی اجتماعی، لزوم همراهی اعضای یک جامعه کوچک یا بزرگ را در فائق آمدن بر مشکلات، امری مسلم می‌داند. در ایران نیز مردمان این سرزمین (ایران) با نگرش به موقعیت‌های زمانی و مکانی از مقوله همراهی و کمک به یکدیگر غافل نمانده‌اند. البته آنچه در این میان جالب توجه و حائز اهمیت است، صرفاً وجود مقوله‌ای به نام همیاری و مددسانی نیست؛ بلکه نتایج و پیامدهای اجتماعی آن است که در ماندگاری این سنت تاریخی، سهم به‌سزایی داشته است. در این خصوص، چنانچه اشاره شد مردمان این دیار نیز، با قومیت‌های گوناگون و خرده فرهنگ‌های ناشی از آن، از جمله انسان‌های بوده‌اند که در گذر تاریخ به استناد نگاه تاریخ نگاران و مردم‌شناسان در حفظ و نگه داشت چنین فرهنگی کوشا بوده‌اند؛ تا آنجاکه، حال و هوای روستاهای دور و نزدیک کشورمان نیز آمیخته به چنین نگاهی بوده است و روستاییان ما نسبت به جوامع شهری، از پیشگامان این عرصه بوده‌اند. از دیرباز، باوری به نام «یاوردهی» نیز، در روستاهای استان گیلان جایگاه ارزشمندی داشته است. یاوردهی به‌عنوان یک خرده فرهنگ مطرح است. مقوله‌های فرهنگ و خرده فرهنگ و ضرورت وجودی آنان از مواردی می‌باشد که مختص به زمان و مکان خاصی نمی‌باشد. ویژگی‌های فرهنگ نیز از مواردی است که نقطه نظرات متفاوتی در مورد آن بیان شده است، یکی از ویژگی‌های مهم فرهنگ که اندیشمندان بر روی آن اتفاق نظر دارند، آن است که فرهنگ، عاملی برای انسجام و یکپارچگی محسوب می‌شود. از طرفی بعضی از صاحب نظران فرهنگ را در مقوله توسعه یا عدم توسعه نیز، نقش آفرین می‌دانند. ناگفته پیداست که کارکردهای مناسب خرده فرهنگ‌ها نیز به تبعیت از فرهنگ، چنین ویژگی و نقش‌هایی را در جوامع کوچک‌تر، از جمله قوم‌ها، گروه‌ها، مشاغل و به نمایش می‌گذارند، بنابراین، به‌عنوان مثال، چنانچه اثرات و پیامدهای خرده فرهنگی، ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی باشد، به یقین، کم‌رنگ شدن یا منسوخ شدن آن، مساوی با از دست رفتن بخشی از سرمایه‌های اجتماعی، در آن منطقه خواهد بود؛ چراکه سرمایه اجتماعی عامل مؤثری در افزایش کارایی سایر اشکال سرمایه، شامل سرمایه انسانی، سرمایه اقتصادی و سرمایه کالبدی است. آنچه مهم و قابل توجه می‌باشد، شناخت اثرات و پیامدهای آنان در زمان کنونی، بررسی وضعیت فعلی نسبت به گذشته، تنوع، گستردگی و عواملی است که بر رشد و ارتقاء یا کاهش و کم رنگ شدن آن‌ها تأثیرگذار است.

پیرامون موضوع حاضر تاکنون پژوهش مستقلی به رشته تحریر در نیامده است. اما مقالاتی در حوزه فرهنگ روستایی در منطقه گیلان به رشته تحریر در آمده است. مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان» به قلم خاک‌پور و شیخ مهدی (۱۳۹۰) به رشته تحریر در آمده است که در آن به تغییرات در سیمای روستای گیلان و تأثیر آن بر مسکن روستایی گیلان پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان «ضوابط بومی حاکم بر چینش محوطه مسکن روستایی گیلان» توسط مژگان خاک‌پور در سال ۱۳۹۸ به رشته تحریر در آمده است که در

این پژوهش اشاره مختصری نیز به رسم یاوردهی داشته است. با این حال نکته‌های بسیاری پیرامون چگونگی این رسم و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن ناگفته مانده است که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد. لذا در این پژوهش با نگرش به بررسی تطبیقی پیامدهای خرده فرهنگ یاوردهی یا همیاری در روستاهای استان‌های گیلان تلاش خواهد شد اثرات و پیامدها، تنوع، گستردگی و چگونگی کارکرد این خرده فرهنگ‌ها مورد کنکاش قرار گیرد، با نگرش به مطالب گفته شده، لازم به ذکر است که مقوله یاوردهی در استان گیلان از جمله خرده فرهنگ‌هایی می‌باشد که به عنوان رسم تعاون و همیاری روستائیان در روستاهای استان گیلان مطرح است.

با توجه به موضوع تحقیق (بررسی خرده فرهنگ)، به انگیزه شناخت بهتر و جامع تر مقوله خرده فرهنگ یاری‌گری در استان گیلان، در این تحقیق از روش کیفی استفاده شده است؛ چراکه در بررسی فرهنگ جوامع و آثار و پیامدهای آن که نوعی روند اکتشافی است؛ تحقیقات دیگر محققان نیز نشان می‌دهد که دوری از ارقام و اعداد یا آمار و بهره‌گیری از مصاحبه آن هم در میدان تحقیق به همراه مشاهده، عموماً نتایج شفاف‌تر و ژرف‌تری را به همراه دارد. با نگرش به روش، در این پژوهش از زیر مجموعه روش کیفی، از روش اتنوگرافی (روش مردم نگاری) با رویکرد جامعه شناسی استفاده شده است. جمعیت مورد بررسی در این پژوهش نیز، روستائیان می‌باشند که در روستاهای آنان، فرهنگ یاری‌گری و همیاری قابل مشاهده بوده است. در این خصوص از تجارب و اطلاعات واحدهای ترویج جهاد کشاورزی استان و شهرستان‌های تابعه، برای شناسایی روستاهای هدف بهره‌گیری شد. با نگرش به موارد مطروحه، جمعیت مورد بررسی در استان گیلان شامل کشاورزان ۵ روستا، با ۱۱۳۴ خانوار از شهرستان رشت، ۳ روستا با ۱۲۰۰ خانوار از شهر آستانه اشرفیه و ۳ روستا با ۱۳۷۰ خانوار از شهر فومن بوده‌اند. از استان گیلان بوده توضیح دیگر اینکه: سطح تحلیل در این پژوهش، خرد می‌باشد؛ و واحد تحلیل، روستائیان مشارکت کننده در مقوله همیاری می‌باشند. واحد مشاهده نیز روستائیان روستاهای هدف بوده‌اند؛ تکنیک جمع‌آوری اطلاعات نیز در این پژوهش مصاحبه نیمه ساخت یافته و مشاهده است. گفتنی است در ثبت و ضبط مصاحبه‌ها از دستگاه Mp3 و برای ثبت مشاهدات از دوربین عکاسی و تصویربرداری استفاده شد. گفتنی است با توجه به اینکه مصاحبه‌های انجام شده تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و با نگرش به اینکه پاسخ‌های داده شده به سؤال‌های ملهم از رویکردهای نظری، محقق کننده اهداف موضوع پژوهش بوده است، پژوهش حاضر دارای اعتبار می‌باشد.

۱. خرده فرهنگ‌ها

جایگاه فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها در جهان و تلاش برای حفظ آن‌ها، موضوع جدیدی نیست، با گذری کوتاه بر گذشته و حال بعضی جوامع، در می‌یابیم که تلاش برای محفوظ داشتن فرهنگ و خرده فرهنگ‌ها حتی در کشورهای توسعه یافته دنیا نیز، هنوز ارزشمند بوده و افراد این جوامع، تلاش و توصیه برای صیانت از آن‌ها را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند. به عنوان مثال ژاپن، از جمله کشورهایی است که در این موضوع مثال‌زدنی است، از دیدگاه جامعه‌شناختی نیز کارکرد فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها با نگرش به هدفمندی آنان در ایجاد همبستگی و انسجام و

توسعه‌یافتگی نیز درخور توجه است، همین امر حکایت از آن دارد که کارکرد فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها، باید بیش از این‌ها مورد توجه هر جامعه‌ای قرار گیرد.

یک کارکرد، مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد (Rocher, ۱۹۷۵: ۴۰). پارسنز نیز با توجه به این تعریف معتقد است که چهار تکلیف است که برای همه نظام‌ها ضرورت دارند و هر نظامی برای پویا ماندن باید چهار کارکرد را انجام دهد، یکی از این چهار کارکرد، نگه‌داشت و حفظ الگوهاست، بر این مبنا، هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگه‌دارنده این انگیزش‌ها را ایجاد، نگه‌داری و تجدید کند (Ritzer, ۱۹۴۰: ۱۳۱). بنابراین می‌توان گفت: آسیب فرهنگ و خرده فرهنگ‌ها از دغدغه‌های فعالان فرهنگی در هر کشوری است و شناخت اثرات و پیامدها همین‌طور عوامل کاهش و ارتقاء آن‌ها به انگیزه نگه‌داشت آن‌ها، از ضروریات انکارناپذیر است. به‌نظر می‌رسد، همان‌طور که به هنگام انقراض موجودی زنده از نوع گیاهان و حیوانات، همت خود را مضاعف کرده و به یاری حفظ حیات گیاهی و جانوری می‌شتابیم، به همان اندازه بلکه بیشتر، حفظ خرده فرهنگ‌هایی با کارکرد مناسب، باید برای همه، از جمله برنامه‌ریزان و متولیان امور اجتماعی، دارای اهمیت و خطیر جلوه کند که تحقق این امر، در گام اول، با شناسایی نقش اثرات و پیامدهای خرده فرهنگ‌ها، امکان‌پذیر خواهد بود و آنگاه به تبع آن، می‌توان گفت که، شرایط برای هرگونه اقدامی مهیا خواهد شد.

یکی از نخستین کسانی که تعریفی از خرده فرهنگ ارائه داد رابرت ر. بل^۱ بود. او خرده فرهنگ را چنین توصیف کرد: از فرهنگ جزئی، نظام فرهنگی نسبتاً منسجمی را می‌توان فهمید که در بستر نظام کلی فرهنگ ملی، دنیای ویژه خود را داراست. اعضای چنین خرده فرهنگی از سایر افراد جامعه تا حدودی متمایز هستند (Schaffer's, ۱۹۳۹: ۱۹۱). خرده فرهنگ، به شیوه زندگی متمایز یک گروه در جامعه‌های پیچیده گفته می‌شود. خرده فرهنگ به‌طور خاص، باورها، ارزش‌ها، نظام‌های نمادین و اشیاء مصنوع حاوی معنا را شامل می‌شود، ولی می‌تواند بسط یابد و ساختارهای نهادی و سازمانی مناسبات را نیز شامل گردد (جلالی پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۴۳۱). در این میان خرده فرهنگ‌های روستایی در جایگاه خود دارای چنان اهمیتی هستند که در برهه‌های مختلف، اندیشمندان ارتباط آن را با توسعه و ترقی جوامع نیز، مورد بررسی و کاوش قرار داده‌اند. یکی از پایه‌های اساسی توسعه روستایی بر تعاون و همکاری دهقانان استوار است و فقدان این روحیه به‌مثابه یکی از دلایل عدم موفقیت بسیاری از برنامه‌های روستایی در جوامع دهقانی است (از کیا، ۱۳۸۷: ۱۲۱). البته باید توجه داشت که توسعه مفهومی است چند بُعدی که دارای جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است؛ توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد (Lehman, ۱۹۷۹: ۹). البته قابل توجه است که جدای از موارد مطروحه ابعاد توسعه که به‌نوبه خود در خصوص پیامدهای یاریگری‌ها قابل بررسی است، رویکرد مثبت خرده فرهنگ‌هایی همچون یاری‌گری به‌عنوان یک سرمایه آن هم سرمایه‌ای اجتماعی و به‌عنوان نوعی مبادله و مراوده نیز، در روستاها جایگاه پر ارزشی را به خود اختصاص داده است. به نظر پی‌یر بوردیو^۲ سرمایه، شکل‌های متنوعی دارد: سرمایه اقتصادی (ثروت)، سرمایه فرهنگی (صلاحیت،

^۱ - Bell

^۲ - Bourdieu

دانش)، سرمایه نمادین (افتخار، پرستیژ^۱) و سرمایه اجتماعی (پیوندهای اجتماعی و اعتماد) (Sideman, ۱۹۷۸: ۱۹۸).

۲. سرمایه اجتماعی و رسم یاوردهی

سرمایه اجتماعی در یک معنای عام، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که با بازده مورد انتظار تعریف می‌شود (توسلی، ۱۳۸۲: ۶). از نظر هانیفان^۲ نیز سرمایه اجتماعی، شامل دارایی‌هایی است که در زندگی روزانه افراد وجود دارند مانند: حس تفاهم، رفاقت و دوستی، احساس همدردی در روابط اجتماعی بین افراد و بین خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند (پیراهری، ۱۳۸۸: ۱۱). نگاه به همیاری‌ها از نظر همکاری‌های هدفمند و آگاهانه نیز در جایگاه خود در خور توجه است در این خصوص، همکاری از دیدگاه جامعه‌شناسی یکی از مهمترین انواع کنش متقابل در جوامع بشری است. اهمیت این نوع کنش تا بدانجاست که به تعبیر پاتریک نولان، چیزی که موجودات اجتماعی را از سایر گونه‌های جانوری ممتاز می‌سازد، خصیصه‌ای است که با توان‌های نهفته خود می‌تواند برای مقاصد و منظورهای مختلف مورد استفاده قرار گیرد، یعنی توانایی همیاری (Nolan, ۲۰۰۴: ۲۸). در خصوص مقوله مطروحه کنش متقابل، روشن است که در متون جامعه‌شناسی، نام بلومر^۳ از افراد مطرح در خصوص نظریه کنش متقابل است. از نظر بلومر، "معنا" که در علوم کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در تبیین روان‌شناسی بیشتر تأکید بر محرک‌ها، انگیزه‌ها و گرایش‌هاست و در تبیین جامعه‌شناختی، تأکید بر عواملی چون وضعیت اجتماعی، مسائل فرهنگی و هنجارها، به هر حال در هر دو تبیین، معنای اشیا برای فردی که کنش را انجام می‌دهد، تحت الشعاع عوامل مذکور است و رفتار وی با عوامل فوق بررسی می‌شود (توسلی، ۱۳۸۴: ۳۱۷). از دیگر موارد قابل طرح در خصوص یاوردهی یا همیاری‌ها رویکرد یا دیدگاه مبادله است. جدای از رویکرد های نظری بلاو^۴ یا کلمن^۵ در این خصوص، قابل توجه است که کار گروه همیار در واقع یک نوع مبادله‌ی نیرو و ابزار کار همراه با مبادله‌ی احترام و حسن نیت و دوستی است و در بسیاری از مواقع با مبادله‌ی اطلاعات و مبادله‌ی مسائل عاطفی و روانی دیگر نیز همراه است. مبادله در همیاری-های سنتی، مبادله‌ای چند بعدی، گرم، بدون واسطه و چهره به چهره، پایاپای و اغلب دلخواسته و آگاهانه و توأم با احترام و دوستی متقابل است (فرهادی، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۰).

به نظر پی‌یر بورديو سرمایه شکل‌های متنوعی دارد: سرمایه اقتصادی "ثروت"، سرمایه فرهنگی "صلاحیت و دانش"، سرمایه نمادین "افتخار، پرستیژ" و سرمایه اجتماعی پیوندهای اجتماعی و اعتماد" (Sideman, ۱۹۷۸: ۱۹۸). سرمایه اجتماعی در یک معنای عام، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که با بازده مورد انتظار تعریف می‌شود (توسلی، ۱۳۸۲: ۶). از نظر هانیفان نیز سرمایه اجتماعی، شامل دارایی‌هایی است که در زندگی روزانه افراد

^۱ -Prestige

^۲ - Hanifan

^۳ - Blumer

^۴ - Blauv

^۵ - Coleman

وجود دارند مانند: حس تفاهم، رفاقت و دوستی، احساس همدردی در روابط اجتماعی بین افراد و بین خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند (پیراهری، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۱۰). در خصوص عناصر مطروحه در سرمایه اجتماعی و ویژگی‌های آن، صاحب نظران مقوله‌های متفاوت و متنوعی را بیان نموده‌اند که اشتراکات معانی و فحوائی آن‌ها به نوبه خود در بررسی پیامدهای یاوردهی (همیاری)، دارای اهمیت و قابل توجه خواهد بود، چراکه اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان و همکاران دارایی بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند که یک فرد می‌تواند در شرایط بحرانی از آن‌ها بهره‌گیرد یا برای منافع مادی استفاده نماید و البته این مساله برای گروه بیشتر صدق می‌کند (توسلی، ۱۳۸۲: ۶).

به نظر فوکویاما نیز سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به‌عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی (صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه) تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند (Fukuyama, ۱۹۹۲: ۱۱). از طرفی کار گروه همیار در واقع یک نوع مبادله نیرو و ابزار کار همراه با مبادله‌ی احترام و حسن نیت و دوستی است و در بسیاری از مواقع با مبادله‌ی اطلاعات و مبادله‌ی مسائل عاطفی و روانی دیگر نیز همراه است. مبادله در همیاری‌های سنتی، مبادله‌ای چند بُعدی، گرم، بدون واسطه و چهره به چهره، پایاپای و اغلب دلخواسته و آگاهانه و توأم با احترام و دوستی متقابل است (فرهادی، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۰). اما از نگاه کلمن تعامل اجتماعی به‌عنوان شکلی از مبادله در نظر گرفته می‌شود (Field, ۱۹۳۰). در خصوص مبادله، مفهوم دگرگونی اجتماعی بلاو نیز، محدود به کنش‌های مشروط است و بستگی به واکنش‌های پاداش‌دهنده دیگران دارد. کنش‌هایی که اگر واکنش‌های مورد انتظار را در پی نداشته باشند، متوقف می‌شوند. انسان‌ها به دلایل گوناگونی که آن‌ها را به هم گروهی اجتماعی سوق می‌دهند، جذب یکدیگر می‌شوند. پاداش‌هایی که در این میان رد و بدل می‌شوند، می‌توانند درون‌ذاتی (مانند عشق، محبت و احترام) یا برون‌ذاتی (مانند پول و کار جسمانی) باشند. طرفین همیشه نمی‌توانند پاداش‌های برابری به یکدیگر بدهند (Ritzier, ۱۹۴۰: ۴۳۵). جدای از مباحث سرمایه اجتماعی و مبادله که به‌طور گذرا به آن پرداخته شد، با نگرش به تعاریف موجود در خصوص رویکرد کنش متقابل اجتماعی می‌توان گفت که از طرفی یاریگری‌ها، نمود بارز کنش‌های متقابل اجتماعی‌اند. چرا که گروه‌های انسانی، تجمع افرادی است که با هم کنش و واکنش دارند. کنش شامل فعالیت‌های کثیری است که افراد انسانی در طی برخورد با افراد دیگر یا در مقابل وضعیت‌های مختلف انجام می‌دهند، فعالیت‌ها از افراد ناشی شده تداوم می‌یابند. بنابراین گروه و جامعه انسانی اساساً در حال کنش هستند و از این رو باید به آنان از دیدگاه کنش متقابل، نگریست. از نظر بلومر^۱ کنش متقابل، مابین افراد است، نه بین عواملی که خود واجد اهمیت حیاتی است. هرکدام از افراد، در برخورد و در کنش با دیگری، کاری را که آن دیگری انجام می‌دهد، ارزیابی می‌کنند و سپس سعی می‌کنند رفتار و وضعیت خود را براساس ارزیابی خود از کنش دیگران جهت یا تغییر دهند. بنابراین کنش‌های دیگران به‌عنوان عامل مؤثر در شکل دادن

^۱ - Blumer

کنش‌های آنان تأثیر گذاشته و بر اثر کنش دیگران ممکن است فرد وضعیت خود را رها کرده، در آن تجدیدنظر کند (Ritzier, ۱۹۴۰: ۳۱۹).

از دیگر مکاتبی که در خصوص پدیده اجتماعی یاریگری‌ها و کارکرد آن، قابل توجه می‌باشد "کارکردگرایی" است، چراکه کارکرد یک پدیده، به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد (Ritzier, ۱۹۴۰: ۱۳۱). آنچه در این نظریات، مهم و کلیدی است، توجه به نظم و ثبات در جامعه است که اکثر نظریه‌پردازان کارکردگرایی بدان توجه داشته‌اند؛ مانند دورکیم که دین را در مطالعاتش به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی می‌داند که کارکرد آن همبستگی، انسجام و نظم است (Mur, ۱۹۴۵: ۱۶۶). در واقع آنچه که از پدیده‌ای چون یاریگری نیز انتظار می‌رود. گیدنز نیز در تعریف کارکردگرایی می‌نویسد: «دیدگاهی نظری بر پایه این اندیشه که رویدادهای اجتماعی را می‌توان به بهترین وجه برحسب کارکردهایی که انجام می‌دهند، یعنی کمکی که به دوام و بقای جامعه می‌کنند، تبیین کرد» (Giddens, ۱۹۸۴: ۸۰). کارکردگرایی عموماً رویکردی متفاوت داشته و به‌منظور فهم حیات اجتماعی، نمی‌خواهد نظام اجتماعی را در هم شکسته و به کوچک‌ترین اجزاء تقلیل دهد، بلکه دصدد است تا ماهیت درهم تافته، زنده و متقابلاً سازگار یک نظام اجتماعی را در کلیتش بفهمد. این امر مستلزم آن است که در اجزاء، وحدتی بازشناخته شده تا براساس آن، اجزاء و کل در هم تنیده شده و یک هویت به‌دست آورده شود. موضوع اصلی کارکردگرایی، خود افراد نیستند. درخصوص این عبارت که "کارکرد فرد انجام وظیفه است" باید گفت: مرتبط کردن انجام وظیفه به فرد، گمراه‌کننده است (Mur, ۱۹۴۵: ۱۶۶-۱۶۷). با توجه به مفاهیم مطرحه از جانب صاحب‌نظران مکتب کارکردگرایی همچون مرتن (۱۹۴۹) مبنی بر کارکردهای آشکار و پنهان پدیده‌ای اجتماعی، در این میان کارکردهای متنوع، پنهان و آشکار پدیده‌ای چون یاری‌گری نیز، به‌نوبه خود از موارد قابل تأمل و بررسی در این زمینه می‌باشد.

۳. نظام نمادین یاوردهی در فرهنگ روستاهای استان گیلان با تأکید بر موزه میراث روستایی گیلان

برای بررسی چگونگی رسم یاوردهی در گیلان چند پرسش مطرح می‌گردد.

- ۱- نقش یاری‌گری در وجود یا نبود همدلی در امور روستایی و به تعبیری نقش آن در انسجام و وحدت روستاییان چگونه است؟
- ۲- تأثیر یاری‌گری در ایجاد یا افزایش رفاقت و دوستی بین روستاییان تا چه حد بوده است؟
- ۳- متعهد بودن در یاری‌گری، چه نقشی دارد یا به تعبیری آیا پذیرش یاری‌گری تعهدآور است؟
- ۴- یاری‌گری، در خصوص ایجاد همکاری و مشارکت روستاییان، چه نقشی داشته و این نقش بیشتر در چه زمینه‌هایی بوده است؟
- ۵- نقش یاری‌گری، در برقراری تنوع و گستردگی روابط روستاییان چگونه می‌باشد؟
- ۶- منفعت و سود اصلی حاصله از یاری‌گری چیست؟

۷- آیا همیاری‌ها منفعتی اقتصادی را به همراه دارد؟

۸- آیا همیاری‌ها در افزایش و تحکیم روابط عاطفی روستاییان مؤثر است؟

در این پژوهش، نتایج به دست آمده از روستاهای استان گیلان را با نگرش به عناصر رویکرد سرمایه اجتماعی، در سه مقوله ۱- همکاری و مشارکت ۲- حس تعهد ۳- دوستی و رفاقت و با توجه به رویکرد مبادله در دو مقوله ۱- تنوع و گستردگی روابط ۲- منفعت حاصله (بهره اقتصادی یا بهره عاطفی). دسته‌بندی شده است. در ادامه به بررسی هر کدام از مقوله‌های یاد شده پرداخته شده است. همکاری و مشارکت: آنچه که از گفته روستائیان بر می‌آید، این است که همکاری و مشارکت روستائیان گسترده بود و محدود به کار کشاورزی نمی‌شود بلکه این همیاری و مشارکت در دیگر اموری که در روستا اتفاق می‌افتد، کاملاً مشهود است. بنابراین نمی‌توان آن را محدود به یک مورد نموده و کوچک شمرد. همیاری و همکاری روستائیان از چنان استحکامی برخوردار می‌باشد که اگر مصیبتی بر خانواده‌ای در روستا وارد شود، خانواده مصیبت دیده، از طرف دیگر روستائیان، حمایت می‌شود تا از نظر کاری و مالی، خانواده مرحوم، کمتر دچار آسیب شود. به نوعی احساس مسئولیت در همیاری‌ها کاملاً مشهود است. بنابراین احساس جمع بودن و عقیده به برکت دست جماعت، باعث شده روستائیان در زندگی، احساس تنهایی را به کنار بگذارند و همیشه حضور پررنگ دوستان و همسایگان را به عنوان یک حامی احساس کنند. شاید این گونه تصور می‌شد که با پایان فصل کار در روی زمین، چون افراد یاورده، پراکنده می‌شوند، در دیگر فصل‌ها، همیاری‌ها بین روستائیان کمرنگ شود. اما آنچه از موارد مطروحه روستائیان بر می‌آید، تأکید و تأیید آن‌ها بر مشارکت برای دیگر امور، در دیگر فصول سال می‌باشد. ورود مقوله همیاری و مشارکت به خانه‌های روستائیان نیز حکایت از جایگاه مهم این امر و اعتقاد و باور روستائیان بر حفظ و اشاعه آن دارد. تا جایی که حریم خانه‌های خود را به انگیزه بهره‌مندی از همیاری‌ها، میزبان صمیمیت و همدلی و یکرنگی همسایگان می‌کنند و به برکت آن چرخ زندگی خود را به گردش در می‌آورند (فراهم آوردن اقلام آماده طبخ، برای فروش در بازار، همیاری در ساخت صنایع دستی). نمود کاملی از رسم یاوردهی در گیلان را می‌تواند در ایجاد موزه میراث روستایی گیلان مشاهده کرد. تصویر شماره ۱ نمایی از این موزه مردمی است.



تصویر ۱: ورودی موزه میراث روستایی گیلان. (منبع: نگارنده)

روستائیان ارزش و اعتبار یاری‌گری و احساس تعهد حاصله از این خدمت را هم پایه عبادت به درگاه خدای متعال دانسته و به تعبیری پروردگار متعال را حاضر و ناظر بر این امر می‌دانند. روستائیان شانه خالی کردن از یاری‌گری را مطلوب ندانسته تا جایی که به انگیزه ادای دین و احساس مسئولیت در این خصوص، در صورتی که خود نتوانند در زمان و مکان مورد نظر حضور یابند. بنابر تعهدی که در خود احساس می‌کنند، فرد دیگری را از جانب خود هماهنگ نموده و به گروه کاری که از نظر تعداد مشخص شده اند، ملحق می‌نمایند تا این‌گونه خللی در پیشرفت کار بوجود نیاید و تعداد گروه با نگرش به تقسیم کار در نظر گرفته شده دستخوش تغییر نشود. پر رنگ بودن اصل وجدان، در روند کاری روستائیان براساس احساس تعهد و داوطلبانه بودن یاری‌گری از چنان جایگاهی برخوردار بوده که باعث شده است. روستائیان به انگیزه اتمام به‌موقع کار، ساعات بیشتری را نسبت به ساعات متداول کاری در یک روز، اختصاص داده و متعهد بودن خود را به اثبات برسانند که چنین نگرشی در خصوص کارهایی که از روی اجبار انجام می‌شود، محسوس و مشهود نیست. وجود حس تعهد روستائیان در قبال یکدیگر به گونه‌ایست که انجام تعهد مایه خرسندی آن‌ها و کوتاهی در تعهد، ناخرسندی آن‌ها را در پی دارد. از طرفی گفته‌های روستائیان، بیان‌گر این مطلب است که تعهد در یاری رساندن، سختی و مشقت نمی‌شناسد و اگر موانعی در مسیر انجام کار به وجود آید، روستائیان را از کمک‌رسانی به یکدیگر دلسرد نمی‌کند. گفتنی است چون در یاوردهی زمان، دارای ارزش است. بنابراین یاوردهی روندی است حساب شده که به نوعی با بهره‌گیری از نوبت‌دهی به روستائیان سازمان می‌یابد. جدی گرفتن مفهوم زمان و احساس تعهد در به اتمام رساندن به موقع کار، از مواردی است که همیشه مدنظر روستائیان می‌باشد. در تصویر شماره ۲، بخشی از فعالیت مشترک روستائیان در موزه به نمایش گذاشته شده است.



تصویر شماره ۲: زنان شاغل در موزه میراث روستایی گیلان. (منبع: نگارنده)

کار عاملی است برای پیوند دادن روستائیان به یکدیگر، فواید کار دسته‌جمعی که در آن چشم‌داشتی وجود ندارد، نتایجی در پی دارد و آن، افزایش دوستی‌ها و روابط بیشتر است. به‌گونه‌ای که بیرون آمدن از خانه و کار را بر نشستن در خانه ترجیح می‌دهند. روستاییان معتقدند معنای واقعی دوستی و رفاقت را باید در روستاها جست. معنای دوستی و رفاقت در بین روستاییان چنان دارای ارزش است که خود را به آن پایبند می‌دانند و کمک به یکدیگر را ناشی از همین دوستی‌ها عنوان می‌کنند. تا جایی که اعتقاد دارند دوستی‌ها در روستاها بسیار با معنا تر است تا در شهرها و اعتقاد دارند در روستاها مردم بیشتر کمک حال یکدیگرند، می‌باشند. دوستی‌های نشأت گرفته از یاری‌گری موجب شده است که روستاییان در خصوص مسائل و مشکلات شخصی یکدیگر هم بی‌تفاوت نبوده و همراه و همدل هم باشند و در رفع مشکلات همدیگر بکوشند.

بعضی مواقع افراد یاورده در سنین مختلفی می‌باشند اما نشاط و دوستی حاکم بر فضای کار به گونه‌ایست که جمعی یکدست، صمیمی و دوستانه را شاهد هستیم که شاید در بیرون مزرعه به دلیل حرمت فاصله سنی قابل مشاهده نباشد، مستولی شدن فضای دوستی بر خستگی ناشی از کار از پیامدهای یاورده‌ی بوده که باعث می‌شود، روستائیان خستگی-ناپذیر، کار و دوستی را به هم بیامیزند و در انتظار صبحی دیگر، ملاقات دوباره یکدیگر را خواهان باشند. این روحیه در کسانی که دستمزد دریافت می‌کنند در این حد، قابل مشاهده نیست. روستائیان روحیه نشاط و شادی در حین کار را از دوستی و رفاقتی می‌دانند که در سایه یاری‌گری حاصل می‌شود.



تصویر ۳. نمایی از هم یاری در موزه میراث روستایی گیلان. (منبع: نگارنده)

روابط حاصله از یاریگری، صرفاً یک رابطه ضابطه‌مند نیست. تا جایی که استحکام این روابط از جانب روستاییان به ساختار یک خانواده تشبیه شده است. احساس امنیت و احساس مسئولیت در قبال یکدیگر از کارکردهای خانواده بوده و چنین مفاهیمی با نگرش به دیدگاه روستاییان در خصوص روابطشان، کاملاً مشهود بوده است و رابطه‌ای مفید و چند سویه را مطرح می‌نماید. در زمینه گستردگی روابط، گفتنی است عموماً در روابط کاری معمول، چون ارتباط افراد دارای چارچوب تعیین شده‌ایست، مقوله‌های چون وصلت و مطرح شدن خواستگاری، کمتر در این گونه موقعیت‌ها می‌گنجد اما بروز روابط صمیمانه حاصل از یاریگری، ظرفیت پذیرش چنین ارتباطی را در حین کار و همیاری از طرف بزرگان خانواده میسر می‌سازد. یاریگری در روستاهای گیلان از تنوع درخور توجه‌ای برخوردار است. در این خصوص، همیاری همسایگان و اهالی روستا در تهیه هدایایی که از الزامات آغاز زندگی مشترک برای مزدوجین جوان است، در جایگاه خود، حائز اهمیت بوده و این نوع همیاری‌ها در تمامی مناطق روستایی به چشم می‌خورد.

در این میان شکل اجرای اینگونه مراسم نیز در جای خود دیدنی و قابل توجه است. از دیگر پیامدهای یاوردهی و کمک دسته جمعی روستائیان به یکدیگر، تبادل خبر و اطلاعاتی است که از وقایع گوشه و کنار روستاها در حین انجام کار، رد و بدل می‌شود. از جمله چه کسی از سفر زیارتی برگشته، چه کسی فوت شده یا اینکه مراسم ازدواجی در پیش است. نوع دیگری از همیاری، در همنشینی اعضای صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی قابل مشاهده است. مبادله اطلاعات در خصوص چگونگی ایجاد تنوع در تولید و عرضه محصولات به بازار، بسیار قابل توجه بوده و زنان روستایی بدین طریق دانش و اطلاعات کاربردی شده خود را به یکدیگر منتقل می‌نمایند.



تصویر ۴: نمایی از کیفیت اشتغال در موزه میراث روستایی گیلان. (منبع: نگارنده)

رضایت داشتن از کاری پر زحمت از پیامدهای یاوردهی است. رضایتی که منشاء آن از همکاری و همیاری خالصانه روستائیان، حاصل می‌شود. بالا رفتن روحیه شخصی، آن هم به واسطه کاری گروهی، دارای تبعاتی در زندگی شخصی

روستائیان است که به برکت آن، توانایی آن‌ها را در گذراندن فراز و نشیب‌های زندگی دو چندان می‌کند. در روستا، نبود کار و فعالیت گروهی به نوعی منفعل شدن و از حرکت ایستادن تعبیر می‌شود که نتیجه آن، در خود فرو رفتن و خمودگی است و در سوی دیگر، یاریگری و یآوری دادن به عنوان عاملی تعبیر می‌شود که درست در نقطه مقابل آن، عمل می‌کند. خرسندی در کنار جمع، آن هم جمعی که به کار مشغولند، برای روستائیان غنیمت به شمار می‌رود. چراکه روابط مستمر آن‌ها را پایدارتر می‌کند، استقبال از یاریگری به انگیزه تجدید دیدارها، فضای کار را عاطفی نموده و ایجاد این رابطه، خوشحالی و خرسندی روستائیان را در پی دارد. از نظر اقتصادی نیز استفاده از افراد یاورده، مقرون به صرفه است، چراکه این کار بدون دستمزد انجام می‌شود.

بنابراین استفاده از کارگری که دستمزد می‌گیرد و یا بهره‌مندی از یاوردهی، هر کدام به نوبه خود در افزایش یا کاهش هزینه تمام شده، موثرند. همیاری روستائیان به یکدیگر نه فقط در مقوله کار کشاورزی، بلکه در دیگر امور (ازدواج، ساخت خانه، یاری به خانواده مصیبت‌دیده و ...) به نوبه خود علاوه بر ایجاد روابط عاطفی یادشده که بسیار ارزشمند است، منفعت و سودی بر مبنای صرفه‌جویی در هزینه‌ها نیز دارد.

آنچه در بررسی‌های میدانی، یادداشت برداری‌ها و مصاحبه‌ها به دست آمده، حکایت از آن دارد که یاوردهی‌ها و همیاری‌ها در دواستان گیلان و مرکزی پیامدهای مثبت و درخور توجه‌ای دارد که درخصوص چگونگی آن، توضیحاتی ارائه می‌شود. مقوله یاوردهی در بخش زراعت در بعضی از روستاهای گیلان، همچنان در حال انجام است اما در برخی از روستاها به دلیل ورود ماشین‌آلات کشاورزی، در مرحله نشاء کم‌رنگ شده یا در بعضی روستاها منسوخ شده است، البته یاوردهی یا یاریگری فقط در بخش زراعت و کشاورزی، اتفاق نمی‌افتد، اما با این حال چون در بخش کشاورزی، محوریت همیاری، در کاشت نشاء برنج است، ورود ماشین‌آلات، یاوردهی را در مرحله نشاء تحت تأثیر قرار داده است. بنابراین این گونه می‌توان گفت، در مناطقی که هنوز از ماشین‌آلات کشاورزی استفاده نمی‌شود و یا مناطق کوهپایه‌ای که امکان استفاده از این گونه دستگاه‌ها، وجود ندارد، یاری‌گری در بخش زراعت، همچنان پررنگ بوده و قابل مشاهده است. البته این نکته هم قابل ذکر است که در مراحل بعد از نشاء هم همیاری به نوعی وجود دارد، مثل وجین کردن، باکس زدن و برداشت. در استان مرکزی نیز همیاری‌ها (هیاره) در خصوص محصولی چون گندم، در زمین‌های هموار، غالباً منسوخ شده اما در خصوص اقلامی چون عدس، ماش، جو و باغ چیدن (برداشت انگور) همیاری‌ها قابل مشاهده است، حال با نگرش به اینکه مصاحبه‌های انجام شده دارای الگویی نظری بوده‌اند، در این بخش، آثار و پیامدهای یاوردهی و همیاری، بدین گونه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

از موارد بارز پیامدهای یاری‌گری، همکاری و مشارکت روستائیان است. این مشارکت محدود به زراعت و کشاورزی نیست، یا فقط در فصل کاشت اتفاق نمی‌افتد، بلکه در فصل برداشت نیز وجود دارد. از طرفی مشارکت در امور غیرکشاورزی هم با اهمیت تلقی می‌شود تا جایی که در مواردی به انگیزه کمک به خانواده‌ها، مشارکت و همیاری یاری‌گران، در داخل خانه‌های روستائیان هم قابل مشاهده است. از دیگر آثار یاری‌گری احساس تعهد می‌باشد؛ تا جایی

که انجام تعهد، مایه خرسندی روستاییان و کوتاهی در تعهد، ناخرسندی آنان را در پی دارد. آن‌ها در انجام تعهدات خود سختی و مشقت نمی‌شناسند و احساس تعهد را مانند عبادت دارای قداست دانسته و با ارزش تلقی می‌کنند. از آثار و نتایج دیگر یاری‌گری افزایش دوستی و رفاقت در بین روستاییان است؛ این مقوله، آنقدر پررنگ بوده است که موجب شده روستاییان در خصوص مسائل و مشکلات شخصی خود نیز نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نباشند، از طرفی مستولی شدن فضای دوستی یاوردهی، خستگی را نیز از روستاییان دور می‌کند و روحیه نشاط را برای آنان به ارمغان می‌آورد. اما در نگاهی دیگر می‌توان روابط و همیاری حاصل از یاوردهی را یک نوع مبادله هم نامید. مبادله‌ای بدون چشمداشت و بی‌منت که در آن، آنچه مبادله می‌شود، تلاش طرفین برای حفظ و ماندگاری یک رابطه مفید است. یک رابطه عاطفی و معنادار که جماعت روستایی را همچون یک خانواده بزرگ، جایگاه می‌بخشد و قابل توجه است که این رابطه در نزد روستائیان دارای تنوع و گستردگی هم می‌باشد؛ یعنی در همه زمینه‌ها از تبادل اخبار و اطلاعات گرفته تا وصلت دو نفر از اعضای دو خانواده و تهیه الزامات آغاز زندگی مشترک، همگی در سایه روابطی صمیمانه که حاصل از کار گروهی و جمعی است، قابل مشاهده می‌باشد. همین‌طور تأثیر متقابل افراد از یکدیگر در کسب نشاط و روحیه که برآمده از کار یاری‌گری است، نیز به‌نوبه خود ارزشمند و درخور توجه است.

گفتنی است در کنار منفعت سود عاطفی که از روابط فی‌ما بین، حاصل می‌آید که گویا طرفین را به یک مبادله پایاپای می‌کشاند، این مبادله در خود، منفعت اقتصادی را نیز به همراه دارد؛ چراکه یاوردهی، حضور بی‌منت روستائیان به انگیزه کمک به یکدیگر، آن‌هم بدون دریافت هزینه و دستمزد است که در نتیجه می‌توان گفت از نظر اقتصادی هم در کاهش هزینه‌ها نقش به‌سزایی دارد، آن‌هم نه فقط در بخش کشاورزی. در پایان این بخش، قابل ذکر است، آنچه نزد روستائیان دو استان دارای اهمیت و ارزش بوده، حفظ این نگاه و فرهنگ است (یاوردهی - همیاری) حتی اگر تکنولوژی جایگزین نیروی انسانی گردد.

جدول ۱: پیامدهای اثرات و پیامدها با نگرش به مقوله سرمایه اجتماعی. منبع (نگارنده)

رویکرد نظری	مقوله محوری	استان گیلان شواهد، با نگرش به یافته‌ها
	مشارکت و همکاری	مشارکت روستائیان محدود به زراعت و کشاورزی نیست چرا که مشارکت در امور غیرکشاورزی هم با اهمیت تلقی می‌شود تا جایی که در مواردی به انگیزه کمک به خانواده‌ها، مشارکت و همیاری یاریگران در

داخل خانه‌های روستاییان هم قابل مشاهده است.		سرمایه اجتماعی
انجام تعهد، مایه خرسندی روستائیان و کوتاهی در تعهد ناخرسندی آنان را در پی دارد. آن‌ها در انجام تعهدات خود، سختی و مشقت نمی‌شناسند و احساس تعهد را مانند عبادت دارای قداست دانسته و با ارزش تلقی می‌کنند.	احساس تعهد	
افزایش دوستی و رفاقت حاصله از یاوردهی در روستائیان بسیار پررنگ بوده است که موجب شده روستائیان در خصوص مسائل شخصی خود نیز نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نباشند، از طرفی مستولی شدن فضای دوستی خستگی را از روستائیان دور نموده و روحیه نشاط را برای آنان به ارمغان می‌آورد.	دوستی و رفاقت	

جدول ۲. پیامدهای اثرات و پیامدها با نگرش به مقوله مبادله. (منبع: نگارندگان)

رویکرد نظری	مقوله محوری	استان گیلان شواهد، با نگرش به یافته‌ها
مبادله	تنوع و گستردگی روابط	ایجاد یک رابطه عاطفی و معنادار که جماعت روستایی را همچون یک خانواده بزرگ جایگاه می‌بخشد از آثار و نتایج یاوردهی است. این روابط در همه زمینه‌ها از تبادل اخبار و اطلاعات گرفته تا پیشنهاد وصلت با یک خانواده و تهیه الزامات آغاز زندگی مشترک و نیز ورود همیاری به داخل خانه‌های روستائیان به انگیزه تولیدات خانگی همگی از پیامدهای کار گروهی بوده است.

تأثیر متقابل افراد از یکدیگر در	منفعت	
کسب نشاط و روحیه که برآمده	حاصله	
از کار یاوردهی است کاملاً	بهره	
مشهود بوده و به نوبه خود	اقتصادی یا	
ارزشمند است. از طرفی حضور	عاطفی	
بی منت روستاییان به انگیزه		
کمک به یکدیگر بدون دریافت		
دستمزد، از نظر اقتصادی هم در		
کاهش هزینه ها نقش بسزایی		
دارد.		



جدول ۳: خلاصه یافته‌ها بر حسب محتوای مصاحبه‌ها (سرمایه اجتماعی) - استان گیلان. (منبع: نگارنده)

رویکرد	مقوله محوری	خلاصه پاسخ‌های ارائه شده
سرمایه اجتماعی	مشارکت و همکاری	<ul style="list-style-type: none"> • یاوردهی در ساخت خانه، کاشت صیفی جات، جهیزیه برای ازدواج و ... هم وجود دارد. • اگر کسی در روستا فوت کند، همه، همکاری می‌کند تا برای خانواده مرحوم مشکلی از نظر ادامه کار، پیش نیاید. • هر جا کاری داشته باشیم که به تنهایی نتوانیم انجام بدهیم، روستائیان می‌آیند و کمک می‌کنند. • همکاری روستائیان علاوه بر فصل بیجارکاری، در بقیه فصل‌ها هم ادامه دارد. • برای فراهم آوردن اقلام آماده طبخ، برای فروش در بازار، خانم‌های روستایی حتی به خانه هم می‌روند و بدون هزینه کمک می‌کنند.
	حس تعهد	<ul style="list-style-type: none"> • ما کمک به یکدیگر را در کارهای کشاورزی و امور روستا، بالاتر از احساس تعهد و نوعی عبادت می‌دانیم. • اگر خودمان نتوانیم بنا به دلایلی برای یاوردهی برویم، یک نفر را به جای خودمان می‌فرستیم. • همه ما بیشتر هم روی زمین می‌مانیم تا کار تمام شود ولی اگر به اجبار کار می‌کردیم، اینطور نمی‌شد. • اگر کار زمین کسی را به پایان نبریم، احساس ناراحتی می‌کنیم. • آن‌هایی که کارشان عقب مانده در اوج گرمای تابستان هم باشد به کمک او می‌رویم. • زمان برای ما مهم است تا کار به موقع شود و بتوانیم به دیگران برسیم.
سرمایه اجتماعی	دوستی و رفاقت	<ul style="list-style-type: none"> • زمانی که در خانه خود هستیم، کمتر از یکدیگر خبر داریم اما زمانی که موقع کاری می‌شود، و سر زمین می‌رویم، رفت و آمدهای ما و دوستی ما بیشتر می‌شود. • بخاطر دوستی و رفاقت است که اینجا (روستا) بیشتر به داد هم می‌رسند تا شهر. • دوستی و رفاقت بین روستائیان در رفع مشکلات بگونه‌ایست که در رفع مشکلات شخصی هم کمک حال یکدیگرند. • بسیار پیش آمده، آنهایی که روی زمین کشاورزی یاوردهی می‌کنند هم سن نباشند، یا نسبت‌های بزرگ‌تری یا کوچک‌تری در فامیل دارند، اما موقع کار که می‌شود، همه رفیق و دوست یکدیگریم. • درست است که وقتی به خانه خود می‌رویم، خسته‌ایم، اما دوست داریم، زودتر صبح شود تا دوباره باهم باشیم. • روحیاتی که افراد یاورده دارند، به‌گونه‌ایست که اگر کسی نداند فکر می‌کند، این روحیه به‌خاطر (موجب) دستمزی است که می‌گیرند اما اینطور نیست چون دستمزدی نمی‌گیرند و آن‌ها که با دستمزد کار می‌کنند، این نشاط و شادی را در هنگام کار در این حد ندارند.

جدول ۴: خلاصه یافته‌ها بر حسب محتوای مصاحبه‌ها (مبادله) - استان گیلان. (منبع: نگارنده)

رویکرد	مقوله‌های محوری	خلاصه پاسخ‌های ارائه شده
مبادله	تنوع و گستردگی روابط در یاری‌گری‌ها	<ul style="list-style-type: none"> فقط در کار کشاورزی نیست که روستاییان به یکدیگر یاری می‌رسانند. یاری‌گری شده خانم و آقایان، در باعث روستا حکم یک خانواده را داشته باشند. چون در حین کار یاوردهی روابط بسیار صمیمانه می‌باشد، پیش آمده صحبت از وصلت یا خواستگاری روی زمین شالیزار مطرح شده است. روابط بوجود آمده از یاری‌گری جامعه روستایی را محیا می‌کند (کاربرد واژه محیا از طرف خود فرد روستایی بوده است). مجمعه‌دهی از مواردی است که شما در مراسم عروسی مشاهده می‌کنید که ما آن را نوع دیگری از یاری‌گری‌ها می‌دانیم. روابط در هنگام یاری‌گری به گونه‌ای است که کسانی که خبری از اتفاقات روستای خود یا دیگر روستاها دارند به اطلاع هم می‌رسانند. آنچه در همنشینی خانم‌های کشاورز در ارتباط با صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی وجود دارد در درون خود نوع دیگری از یاری‌گری را مطرح می‌نماید.
مبادله	منفعت اقتصادی یا بهره‌مندی عاطفی	<ul style="list-style-type: none"> یاوردهی روی روحیه شخصی مان بسیار تأثیر دارد و از این کار راضی هستیم. وقتی در خانه خودمان هستیم، افسردگی می‌گیریم، ولی وقتی برای یاوردهی می‌آییم، اعصاب مان آرام می‌گیرد. از اینکه باهم کار می‌کنیم، خیلی خوشحالیم، دیدارها تازه می‌شود، روابط بهتر می‌شود. برای کار روی زمین اگر از کارگر کشاورزی که دستمزد می‌گیرد، استفاده کنیم، هزینه‌ها زیاد خواهد شد ولی وقتی خانم‌ها یاوردهی می‌کنند، هزینه‌ها کم می‌شود. چون یاوردهی در موارد غیر کشاورزی هم وجود دارد بنابراین هزینه‌های معمول را کاهش می‌دهد. در قدیم که روابط از طریق یاوردهی بیشتر بود، کسی ناراحتی اعصاب نداشت، روحیه منفی نداشت. یاوردهی روی روحیه شخصی مان بسیار تأثیر دارد و از این کار راضی هستیم.

همکاری و مشارکتِ اعضاء همیار در هر استان گیلان در خصوص موارد پیش آمده در روستا و به تعبیری همکاری و مشارکت خارج از محیط کار، بیانگر گستردگی این مقوله در روند زندگی جاری روستاییان می‌باشد. گفتنی است مشارکت روستائیان در زمینه‌های متفاوتی بوده و این مشارکت به نوعی برخاسته از روابط موجود در همیاری هاست؛ به تعبیری مشارکت‌ها، همیاری را می‌سازد و همیاری به بازتولید مشارکت در امور غیرکشاورزی می‌انجامد. بنابراین می‌توان گفت که همیاری‌ها استمرار می‌یابد و در محیط کار متوقف نمی‌گردد. از نمونه‌های بارز و مورد تأیید روستاییان، مشارکت و همیاری اعضاء همیار و دیگر روستاییان در برپایی مراسم‌هایی چون ازدواج، دستگیری از افراد نیازمند و یاریگری به افرادی که به دلایلی نتوانسته‌اند در امر برداشت، کار خود را به سرانجام برسانند، قابل ذکر است. حال با نگرش به موارد مطروحه، آنچه در خصوص پیامدهای همیاری یا یاوردهی صادق است، نمود شاخص مشارکت و همکاری در روابط روستاییان بوده است. از دیگر شاخص‌های سرمایه اجتماعی که در رویکرد نظری از آن سخن به میان آمده، مقوله احساس تعهد است در این پژوهش، یافته‌ها حکایت از آن دارد که روستاییان هر دو استان نسبت به یکدیگر خود را متعهد دانسته و جز این را متصور نیستند؛ چراکه روستاییان این منش را دارای قداست دانسته و همچون اعضای یک خانواده بزرگ که در قبال یکدیگر متعهدند، خود را پایبند به این رفتار اخلاقی می‌دانند. قابل ذکر است نوع روابط بوجود آمده حاصل از همیاری در ذات خود حس تعهد را می‌پروراند؛ چراکه این مقوله در اعضاء همیار برای استمرار همیاری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. حس تعهد به یکدیگر در نزد روستاییان از چنان جایگاه ارزشمندی برخوردار است که اگر به دلیل بروز اتفاقی پیش‌بینی نشده، فردی نتواند از انجام تعهد خود برآید، شخص دیگری را از جانب خود برای ادای آن تعهد، تعیین می‌کند. بنابراین به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که مقوله مذکور با روند زندگی همیاران عجین شده است که بنا به اظهار روستائیان، این منش از گذشته‌های دور به آن‌ها رسیده است و اما شاخص دیگر سرمایه اجتماعی، که در این پژوهش وجود رابطه آن با همیاری مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت مقوله دوستی و رفاقت است.

محیط کشاورزی، محیط کاری پرزحمت است؛ بنابراین همیاران در فضایی مشغول به کارند که تلاش و پویایی مضاعفی را طلب می‌کند. کنار یکدیگر همکاری نمودن در چنین فضایی، منحصر به روابط کاری نمی‌شود. محیط همیاری تاثیرگذار بوده و روابط کاری به سمت و سوی روابط دوستی هم سوق داده می‌شود. بنابراین، این پیامد با ارزش، به محیط کار ختم نشده و فراتر از آن در مراودات افراد حتی خارج از محیط کار هم تسری می‌یابد. دوستی‌های برآمده از همیاری‌ها در هر دو استان به‌گونه‌ایست که افراد در قبال مشکلات یکدیگر، احساس مسئولیت نشان می‌دهند و به گفته روستاییان، این نوع ارتباط در روابط میان نیروی انسانی دستمزد بگیر، در این قیاس مشاهده نمی‌شود. این دوستی که خود برآمده از روابط همیاری است، نتایجی در بردارد که جدای از استحکام بخشیدن روابط موجود، از مستولی شدن خستگی مفرط بر اعضاء همیار می‌کاهد. اینجاست که می‌توان گفت شاخصی دیگر از مقوله سرمایه اجتماعی یعنی دوستی و رفاقت نیز، مانوس منش‌های روستاییان بوده است. در یک جمع‌بندی اجمالی از این مبحث،

در می‌یابیم که با نگرش به قرین بودن مفاهیم مطروحه در سرمایه اجتماعی با اخلاقیات و رفتارهای روستاییان مقوله سرمایه اجتماعی از بارزترین دارایی‌هایی است که جزء لاینفک زندگی روستایی محسوب شده و روستاییان را همچون ترکیبی است برای گذر از فراز و نشیب‌های زندگی.

نتیجه‌گیری

به واسطه حضور در همیاری‌ها بر تنوع و گستردگی روابط روستائیان افزوده شده است. افزایش روابط دوستی، طرح مشکلات از جانب روستاییان به انگیزه بهره‌مندی از مقوله مشورت، مشارکت در امور غیر از کشاورزی در هر استان گیلان به دلیل وسعت شعاع روابط و ارتباطات، مسافرت‌های دسته‌جمعی (برگرفته شده از یادداشت‌ها)، همه و همه بیانگر آن است که روابط روستاییان، محصور به محیط کار نبوده و آثار همیاری‌ها در جای جای روستا، آشکار و ملموس بوده و با روابط ضابطه‌مند رسمی قابل قیاس نیست و در یک کلام، می‌توان گفت آنچه روستاییان، با هم کیشان خود در مبادله‌اند، تبادل صداقت، احساس مسئولیت، اعتماد، دوستی و کمک به یکدیگر است که در جای خود، استمرار روابطی پایدار و گسترده را رقم می‌زند. حال از گستره روابط مثال‌زدنی و برآمده از همیاری‌ها، بهره عاطفی به عنوان پیامدی مؤثر از همراهی جمع، قابل تأمل است. در این خصوص، وجود روحیه نشاط و سرزندگی در جمع همیاران دو استان، ارتقاء روحیه شخصی، صمیمیت و مهربانی از مواردی است که بر پویایی قشر زحمتکش روستایی افزوده است که می‌توان گفت در مبادله‌ای پر منفعت، منش‌های اخلاقی خود را در روابطی پُرثمر تبدیل می‌نمایند. تأثیرگذاری کمک به یکدیگر در یک کار گروهی را در رضایت‌مندی روستاییان می‌توان سراغ گرفت که به نوبه خود، منفعتی فراتر از منفعت‌های اقتصادی را رقم می‌زند. این همه، آثار و نتایج کمک به یکدیگر در کار گروهی و در یک کلام، همیاری-هاست. روستاییان از این بابت که با هم همیاری می‌نمایند، بسیار خوشحالند و آن را عاملی برای کاهش خستگی ناشی از کار می‌دانند و پیامدهای فردیت و تنهایی را منفی و دارای ضرر و زیان دانسته و آن را درست نقطه مقابل یاری‌گری می‌دانند. از دیگر مواردی که در جای خود بسیار مهم بوده و کشاورزان استان گیلان در این خصوص نیز متفق‌القولند و به کرات آن را مورد تأیید قرار داده‌اند، منفعت یا سود اقتصادی‌ایست که برآمده از همیاری‌هاست. حضور اعضاء یاری‌گر موجب می‌شود تا روستاییان از نیروی انسانی دستمزد بگیر بسیار کمتر استفاده نموده و یا اصلاً استفاده نمایند. این روند (همیاری‌های فامیلی یا همسایگی) علاوه بر ایجاد روابط عاطفی و صمیمی، باعث کاهش هزینه‌های تمام شده کاشت و برداشت خواهد شد. از طرفی در مواقعی که از نظر توان مالی، بعضی از روستاییان با مشکلاتی روبرو هستند، وجود همیاری‌ها می‌تواند کمک‌حال بسیار ارزشمندی برای آنان خواهد بود؛ به تعبیری این مهم، برای همه روستاییان با هر توان مالی و اقتصادی، دو بُعد ایجاد روابط عاطفی و دلگرمی به کار و بهره اقتصادی را در پی خواهد داشت، در اینجا با نگرش و تأمل به آنچه در خصوص همیاری‌ها (یاوردهی-هیاره) عنوان شده است، می‌توان به صراحت، آثار و پیامدهای مثبت و در خورد توجه همیاری را تأیید نموده و جایگاه ارزشمند این مقوله فرهنگی را پاس داشت و در کنار آن، دغدغه کاهش یا منسوخ شدن آن را از ذهن دور نداشت؛ چراکه به یقین حفظ چنین خرده

فرهنگ‌هایی، انسجام و یکپارچگی وافری را به همراه خواهد داشت. با توجه و تأمل به موارد مطروحه به یقین می‌توان گفت خرده فرهنگ یاوردهی یا همیاری در هر دو استان، دارای کارکردهایی متنوع، مثبت و ارزنده برای قشر روستایی بوده است که بر روند زندگی آنان تأثیرگذار است. کارکردهایی آشکار که برای هر مشاهده‌گری، ملموس بوده و کارکردهایی پنهان که بر پویایی و استمرار روابط غیر کاری کشاورزان نیز مؤثر بوده و در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و شخصی بروز می‌نماید.



منابع:**کتاب‌ها:**

- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۶). توسعه اجتماعی در مناطق روستایی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- توسلی، غلامعباش؛ موسوی، مرضیه. (۱۳۸۱). سرمایه‌داری کلاسیک و نظریات جدید در جامعه سرمایه‌داری. تهران: انتشارات علوم اجتماعی.
- روح الامینی، محمود. (۱۳۸۵). زمینه‌های فرهنگ شناسی. تهران: پیمان نور.
- جلالی پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال. (۱۳۸۶). نظریه‌های اجتماعی معاصر. چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۶). همیاری روستایی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، چاپ ۲۲، تهران: نشر نی.
- مور، ویلیبرت. (۱۳۸۰). تغییر اجتماعی. ترجمه پرویز صالحی، تهران: سمت.
- نولان، پاتریک. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای در جامعه‌شناسی مارکو، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

مقالات:

- پاری هری، نیر. (۱۳۸۷). جامعه سرمایه‌داری در نظریات جدید، تهران، نشریه دانش اجتماعی، شماره ۳، ۱۱۱-۱۱۰.
- ذاکری، محمود سادات. (۱۳۸۰). «ساختار، سبک زندگی و هویت». فصلنامه توسعه علم جامعه‌شناسی، شماره ۱، ۲۲-۲۱.

منابع لاتین:

- Bellah, N., & Richard Madsen, M., Sullivan, Ann Swidler, & Steven M. (۱۹۸۵). "Habits of the heart. Berkeley." *Cal., University of California Press* .
- Comparative study of the effects and consequences of the " Yavardehi " subculture In the villages of Guilan and markazi provinces. With an emphasis on social capital and exchange approaches
- Field, J. (۲۰۰۳). "Social Capital, Gholamreza Ghaffari". Tehran, Kavir, ۲۰۰۷, p.۵۴.
- Fukuyama, F. (۲۰۰۱). "Social capital, civil society and development." *Third world quarterly* ۲۲, no. ۱ ۷-۲۰.
- Lehman, D. (ad) (۱۹۷۹). "Development theory; four critical studies", London
- Ritzer, G. (۲۰۰۳). "Sociological theories in the contemporary era", Mohsen Thalasi, Tehran, Scientific Publications, seventh edition, p.۱۳۱.
- Roche, G. (۱۹۸۸). "Social Action". Homa Zanjanizadeh. Mashhad: Ferdowsi University Press.
- Scheffers, B. (۲۰۰۴). "Fundamentals of Youth Sociology". Keramatollah Rasekh, Tehran: Ney Publishing.
- Sidman, S. (۲۰۰۹). "Conflict of Opinions in Sociology", Hadi Jalili, Tehran, Tehran, Ney Publishing.